

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

شماره ویژه پیشرو

ص.ص

۱۰ اگست ۲۰۱۱

جاودان مرد تاریخ جاودانه گشت

داد نورانی نویسنده، شاعر، روشن فکر، مبارز و شخصیت سیاسی کشور شام چهارشنبه ۲۲ سرطان ۱۳۹۰ زندگی پر بارش را پدرود گفته و به جاودانگی پیوست.

نورانی از دوران طفولیت از هوش سرشاری برخوردار بود. او لیسه ابونصر فراهی را از صنف اول الی دوازدهم به درجه اول نمره گی به پایان رسانید. لیاقت و استعداد وی در دوران مکتب ابتدائی و لیسه زبانزد عام و خاص بود. وی در پهلوی دروس مکتب به مطالعه جانبی پرداخته، کتب و آثار زیادی را در زمینه علوم سیاسی، فرهنگی، فلسفی، ادبی و ساینسی مطالعه نمود. بعد از فراغت از صنف دوازدهم، امتحان کانکور را به درجه عالی سپری نموده و شامل پوهنخی طب پوهنتون کابل گردید.

او با اشغال کشور توسط روسها همراه و همدم با توده های وسیع کشور دست به مبارزه مسلحانه زد. ابتداء در کوهپایه های زادگاه اش (ولایت فراه) با سایر آزادگان و مبارزان راه استقلال و آزادی به خاطر کسب استقلال کشور مردانه رزمید و در کنار آن در جبهات جنگ و روستاهای ولایت فراه به تداوی مریضان نیز پرداخته و به زودی بین سایر توده های استقلال طلب و توده های فقیر جامعه به عنوان یک شخصیت مهربان و محبوب تثبیت گردید. در دوران مهاجرت در ایران مسؤولیت جریده صدای افغانستان را بر عهده داشته و اتحادیه محصلان خارج از کشور را نیز رهبری می نمود.

داد نورانی به مسایل قومی، نژادی و منطقه ئی پشت پا زده و به زودی به عنوان یک شخصیت ملی تبارز نمود. وی زمانی در نورستان، زمانی در کنر و زمانی هم در ولایت نیمروز دست به مبارزه مسلحانه، سیاسی و فرهنگی زده همیشه اظهار می داشت که برایش هر گوشه کشور دوست داشتی بوده، ایمان و اعتقادش به ایجاد یک افغانستان متحد، آزاد، مستقل، مستحکم و پایدار راسخ بوده و عمر گرانبایش را در این راه سپری نمود.

نورانی پس از سقوط دولت طالبان در زمینه فرهنگی و بیداری اذهان عامه خدمات شایانی را انجام داد. ابتداء جریده روزگاران و سپس جریده پیشرو را تأسیس و بنیانگذاری نمود. وی حقایق را بدون پرده، رک و سریع بیان می داشت؛ به ضد ستم گران، مرتجعان، زورگویان، اشغالگران و جنگسالاران می نوشت.

در مصاحبه هایش چه در تلویزیون و چه در رادیو همیشه پوست کنده و بدون هراس صحبت نموده، زورگویان و مرتجعان را محکوم و از توده های پابرنه و فقیر حمایت می نمود. منطق قوی، ایمان محکم به مبارزه علیه مظلالم و مفاسد اجتماعی وی را به یک شخصیت سیاسی محبوب تبدیل نمود.

وی زمانی که دچار حمله قلبی گردید، به جواب یکی از داکتران شفاخانه که برایش گفت تشویش نکند، به یکی از نزدیکانش اشاره نمود که ماسک اکسیجن را از دهن و بینی اش دور کند. او داکتر را مخاطب قرار داده و گفت: برایم زندگی و مرگ هر دو حقیقت و دو روی یک سکه می باشند. من از مرگ هراسی ندارم اگر زنده بمانم و بتوانم مدت بیشتر به میهن و مردم خدمت نمایم بسا بهتر ورنه از مرگ گریزی نیست.

«ما جمعی از دوستان نورانی هستیم و از یکی از دورافتاده ترین ولایات کشور صحبت می نمائیم. ما نمی دانیم نورانی متعلق به کدام قوم و مربوط به کدام ولایت است، اما مصاحبه ها و تبصره هایش را از طریق تلویزیون و رادیو شنیده و دیده ایم. ما همگی در سوگ وی نشسته و اشک می ریزیم.» این مثال کوچکی از محبوبیت او را در میان توده هائی نشان می دهد که او به خاطر شان قلم می زد و می نوشت.

آری! مرگ نورانی همه توده های زحمت کش، آزادیخواه و مخصوصاً همفکران و نزدیکانش را متأثر و المناک ساخت ولی مطمئن هستم او کسانی را تربیه و پرورش نموده که تا جان در تن دارند، بیرق بلند او را بر دوش کشیده و در تحقق آرزوهایش خواهند رزمید.

درود و افتخار بر روان پاک رزمنده بزرگ، داد نورانی!